

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه ۱۶ تیر ماه ۱۳۲۲ \*

فهرست مطالب :

- ۱ - تصویب صورت مجلس
- ۲ - سؤال آقای صفوی از آقای وزیر کشاورزی و پاسخ ایشان
- ۳ - شور در گزارش کمیسیون بودجه نسبت به ۵۰۰ میلیون ریال
- ۴ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه .

( مجلس یکساعت و سه ربع قبل از ظهر بریاست آقای اسفندیاری تشکیل گردید )

صورت مجلس روز ۱۲ تیر ماه را آقای ( هاشمی ) ( منشی ) قرائت نمودند \*\*\*

## [ ۱ - تصویب صورت مجلس ]

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست؟ ( اظهاری نشد )  
صورت مجلس تصویب شد .

جمعیت از نمایندگان - دستور . دستور .

افشار - بنده قبلاً اجازه خواسته ام . قبل از دستور عرض داشتم .

رئیس - بفرمائید .

## [ ۲ - سؤال آقای صفوی از آقای وزیر کشاورزی و پاسخ ایشان ]

صفوی - بنده سؤالی از آقای وزیر کشاورزی کرده ام ایشان هم برای جواب حاضرید اجازه بفرمائید سؤالم را

بکنم بعد وارد دستور شویم .

رئیس - آقای وزیر کشاورزی برای جواب حاضرید؟

وزیر کشاورزی ( آقای اعتبار ) - بلی .

رئیس - آقای صفوی بفرمائید .

صفوی - سؤال بنده از آقای وزیر کشاورزی راجع

بزراعت اراضی شبانکاره و استفاده از سد شبانکاره است که دو

سال قبل آماده شده است و در دسترس کشاورزان گذاشته

شده و از نظر توسعه کشاورزی خیلی قابل توجه است و با

وضعیت اقتصادی امروز کشور و با اینکه ما خیلی از حیث

وضعیت اقتصادی در زحمت هستیم بنده تصور میکنم هر قدر

\*\*\* عین مذاکرات مشروح یکصد و هفتاد و نهمین جلسه از سیزدهمین دوره قانون گذاری ( مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۵ )

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

\*\*\* اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غائبین با اجازه - آقایان : فاطمی - دکتر سنگ

غائبین بی اجازه - آقایان : مجدذیانی - دکتر سمعی - منصف - تولیت - دکتر ضیاء - نوبخت - شهدوست - سمعی - اورنگ -

طالش رحمت سمعی - مشیردوانی - مکرّم افشار - شجاع - نایبی - مهذب - معتمد سنگ - فرشی - دادور - کلزونیان - نمازی - سلطانی -

صادق وزیری - کامل ماکو - فرمانفرماییان .

بامور کشاورزی بیشتر توجه کنیم و برای پیشرفت کارهای کشاورزی جدید کنیم بیشتر بصره و صلاح کشور است و مورد استفاده خودمان هم خواهید بود البته بطوری که خاطر محترمان مسبوق است سد شبانکاره در سال ۱۳۱۸ بر حسب پیشنهاد عده از خیرخواهان از طرف دولت به تصدی بانک کشاورزی شروع بساختن شد و این سد روی رودخانه شاهپور و مجاور با اراضی شبانکاره ساخته شده است با اصول علمی در ظرف دو سال ساخته شد باتمام رسید و از اول سال ۱۳۲۰ برای بهره برداری آماده شد و وقتی که برای بهره برداری آماده شد آب در دسترس کشاورزان و زارعین گذاشته شد سد هم با نهایت خوبی آماده برای آبیاری شده از محل سد که محل بنگاه آبیاری باشد یک کانال آب آوری ساخته شده است که بنده خودم در مسافرت اخیر خودم دیدم که تا حدود ۶ کیلومتر این کانال می رود باراضی در واحی و از آنجا منشعب میشود بدوشاه جوی و دو نهر عمده که یکی نهر کا و یکی نهر ته و دارای یک نهر چپآب است که از آن طرف زیادی آب را باز میبرد و میریزد روی رودخانه و می رود بدو یا این سد ۸ متر مکعب آب میدهد و گنجایش این را دارد که ۳۰۰۰۰ هکتار اراضی آنجا را که همینطور بایر افتاده است و استفاده ای از آن نمیشده است مشروب کند در صورتیکه ما بتوانیم استفاده از آب شبانکاره و سد شبانکاره بکنیم و این اراضی را مشروب کنیم بنده خیال میکنم با وضعیت امروز کشاورزی و با اینکه ما خیلی احتیاج داریم بامور کشاورزی نه فقط این قسمتها ما را بی نیاز خواهد کرد بلکه بنده تصور میکنم جنوب را در این قسمت بی نیاز خواهد کرد تماماً و اگر چنانچه دو سال هم خدای نکرده باران نیاید هیچ نگرانی نخواهد بود که مردم آنجا مثل دو سال قبل دچار گرسنگی قحطی و بدبختی بشوند این سد عجله ساخته شده است و این آب هم از آن کانال آب آور هشت متر مکعب می آید. در ۶ کیلومتری در اراضی در واحی ولی متأسفانه بطوری که باید توجه نشده است که در سال ۱۳۲۰ و ۱۳۲۱ با حد اکثر استفاده را از این سد کرده باشیم و رعایای آنجا بتوانند از زراعت آنجا

بکارند محصول را بردارند بعد دو مرتبه بنشینید و تقسیم کنید گفتند خیر ما نمیتوانیم تقسیم کنیم بعد ممکن است حاصل چطور بشود خلاصه بانهایت زحمت فقط برای تمام بنادر پارسال ۳۶۰ تن گندم و ۲۰۰ تن جو که از عراق خریده بودند آوردند و این یک خمس احتیاجات آنها هم نبود و کافی برای آنها نبود معهنا کاشته شد و محصول آنجا خیلی خیلی خوب شد آقای وزیر خوار بار تشریف دارند و میدانند امسال از وضع همین اراضی تلگر افاتی رسیده هم به بنده هم به ایشان و همه اظهار رضایت کرده اند مازادشان را هم با کمال میل و رغبت بوزارت خوار بار فروخته اند معهنا از تمام این اراضی هنوز استفاده کامل نشده و الآن ۸ متر مکعب آب می آید ولی میریزد بدریا چندین میلیون هم خرج آنجا شده ولی متأسفانه کسی نیست که توجه بکند یعنی وزارت دارائی نمی آید این اراضی را واگذار بکند که یک نفر مهندس بفرستد آنجا این نهرهای فرعی را بسازند و اراضی را در دسترس رعایا بگذارند آنجا دو ماه دیگر باید شروع بزراعت بکنند چون هوای آنجا گرم است غیر از اینجا است آب هست زمین هم هست زارعین هم هستند ولی متأسفانه هنوز اختلافات بین وزارت کشاورزی و وزارت دارائی در این قسمت هنوز مرتفع نشده است و قسمت اعظم این اراضی بایر افتاده و از سی هزار هکتار زمین که باید استفاده شود فقط سه هزار هکتار در سال گذشته بهره برداری شده و بقیه افتاده است از طرف دیگر بنده خدمت آقای وزیر کشاورزی مکرر عرض کردم که برای پیشرفت و توسعه امر کشاورزی مقرر بدارند که در آنجا شعبه بانک فلاحتی دائر شود تا مردم بتوانند از این فقر و بدبختی و بیچارگی راحت بشوند چون آنها خودشان که وسیله ندارند و دولت باید وسیله برای مردم فراهم بکند و در دسترسشان بگذارد. ما اگر در بودجه یک مبلغی برای سرمایه های بهره برداری منظور بداریم و برای توسعه فلاحت و کشاورزی و آبیاری بگذاریم برای سد سازی و برای احداث قنات این پولها هیچوقت آقا بهدر نخواهد رفت و بعد از یکی دو سال بر

میگردد و سود فراوانی هم دارد و در فاصله یکی دو سال چندین برابر استفاده خواهد داد. علاوه این مردم بدبخت و گرسنه که الان در آنجا یک لنگ بسته اند و زندگی میکنند بهترین صدی ۹۸ شان تراخم دارند اینها نجات پیدا میکنند. بهترین خرجها که ما باید بکنیم این نوع هزینه هائی است که برای کشور نتیجه دارد یعنی خرجهائی که برای بهره برداری است برای توسعه و پیشرفت امور کشاورزی است و خرجهائی است که برای امور انتفاعی کشور باید بشود که هم مردم و هم دولت از آن استفاده بکنند و نتیجه ببرند ولی در این قسمتها هیچ توجه نشده است بطور خلاصه سئوالی که بنده داشتم این بود که آقای وزیر کشاورزی جواب بدهند که برای بهره برداری از سد شبانکاره که مبالغی آن صرف شده و زحمتی کشیده شده و مدتی صرف وقت شده چه فکری کرده اند و برای تقسیم اراضی چه در نظر گرفته اند و آیا امسال میشود یک مقدار بیشتری از این اراضی را برای بهره برداری در دسترس مردم بگذارند یا خیر و مثل سال گذشته همان سه هزار هکتار است و وضعیت مردم هم بهمان بدبختی است.

### وزیر کشاورزی - جریان شبانکاره و سد شبانکاره

مفصلش همان بود که خود آقای صفوی نماینده محترم فرمودند و البته گزارش مفصلی هم اینجا داده شده است که چون مفصل است و وقت مجلس را میگیرد بنده از خواندن آن قسمت صرف نظر میکنم و ممکن است در خارج خودشان و سایر آقایان ملاحظه بفرمایند. از اراضی که سد شبانکاره و ساختمانهای که فعلاً در آنجا شده است استفاده میشود کرد این را آقا هم اطلاع دارند و با فرستادن متخصصین آبیاری همانطور که ایشان فرمودند ملاحظه شد که ما میتوانیم تا آنجا که الان ممکن و میسر است این اراضی را مورد استفاده قرار بدهیم و قرار داده ایم و اراضی را که الان میتوان مورد استفاده قرار داد بین ۱۷ قریه تقسیم شده است که در این ۱۷ قریه ۶۰۰ نفر زارع هست که از این آب الآن استفاده مینمایند و بهر نفر زارع دو هکتار و نیم واگذار شده با این

قید که اگر آنها در صد عمران بر بیایند این اراضی برای همیشه بملکیت آنها در خواهد آمد. نسبت به بقیه اراضی و استفاده‌ای که ممکن است از آنها بشود همانطور که خودشان هم فرمودند احتیاج باحداث انهار جدیدی است تا بتوانند از فاضل آب سد هم استفاده بکنند. بنابراین برای این کار در بودجه آبیاری ما پانصد هزار تومان محل گذاشتیم که این انهار را بسازند و در دسترس کشاورزان بگذارند. البته این را خود آقا مسبوق هستند که در شبانکاره ۲۰ قریه بیشتر نیست و کلیه شبانکاره تشکیل میشود از ۲۰ قریه که ۱۷ قریه اش باین ترتیبی که عرض کردم از آب سد شبانکاره استفاده میکنند و دو یا سه تایی دیگر نمیتوانند فعلاً استفاده کنند برای اینکه آن انهاری که خودتان فرمودید هنوز ساخته نشده و آنها که ساخته شد البته استفاده خواهند کرد لکن وضعیت شبانکاره و سد آنجا و اهمیتی که اراضی آنجا دارد بطوری که خودتان هم تذکر دادید این سد یک سد مهمی است و میتواند تمام شبانکاره را مشروب کند اما این قسمت بر میخورد به نبودن جمعیت و کشاورز و زارع باندازه‌ای که بتوان از آنجا استفاده کرد و فعلاً باندازه استفاده از این آب و زمین در آنجا زارع و جمعیت نیست و برای اینکار هم متخصصینی که رفته اند آنجا مطالعاتی کرده و گزارشاتی داده اند که این اراضی را بعنوان اجاره بیک شز کتها و یا اشخاصی که علاقمند باشند در فارس یا جاهای دیگر اجاره واگذار کنند تا آنها بتوانند از خارج زارعین را با آنجا جلب کنند و از این اراضی زیاد استفاده کنند. الا آن هم ما پنج هزار هکتار اراضی داریم که آب هم میگیرد ولی زارع ندارد باز در اینجا هم یک عده ای پیشنهاد کرده اند که ما این را اگر ممکن است اجاره واگذار کنیم منتهی با این قید که مستأجر مقید باشد در مدت اجاره طوری استفاده بکند و کاری نکند که زارعین آنها در آنجا بمانند و همانطور که نسبت به ۱۷ قریه تقسیم شده است بین بقیه هم تقسیم بشود. البته این اراضی که فعلاً تقسیم شده زارعین آن نهایت علاقمندی را نشان داده اند در این ۱۷ قریه و خیلی اراضی هستند و از این

حیث این خودش یک اسباب خوشبختی است و ما هم در صد بر آمدیم که هر قدر ممکن باشد اراضی دیگری هم بشواییم تهیه کنیم و در دسترس آنها بگذاریم. ولی این کار البته وقتی عملی میشود که آن انهار را ما بسازیم و وقتی که ساخته شد البته اشکال ندارد اگر این زارعین از عهده زرع و آبدی این اراضی که با آنها داده شده است بر آیند اراضی بیشتری بعهده آنها گذاشته شود ضمناً وزارت کشاورزی در نظر گرفته است که دو نفر هم آنجا بفرستند برای یاد دادن بزارعین آنجا چون تا بحال همانطور که فرمودید در آنجا دیم کاری میکردند و میرفتند و اصلاً بلد نیستند آبیاری و زراعت را. دو نفر را فعلاً ما در نظر گرفته ایم بفرستیم آنجا فقط برای اینکه مواظب باشند و نظارت کنند که وضعیت زراعت و وضع آبیاری را با آنها حالی کنند و بیاموزند و یادشان بدهند و با این ترتیب خوب میشود استفاده بکنند و این کار هم قریباً خواهد شد و ما ورین ماهم بزودی معین میشوند و میروند. البته همانطور که فرمودید باید یک کمکهای بیشتری با آنها بشود برای آبادی و عمران. این راهم بنده مشغول مذاکره هستم که یک شعبه از بانک کشاورزی در آنجا تأسیس شود تا کشاورزان برای تدارک و وسائل کار از جهت خرید گاو و وسائل زراعتی در زحمت نباشند و امیدوارم این قسمت را هم موفق شویم و انجام بدهیم. این که فرمودید راجع به استعداد اراضی البته همانطور است که آقا هم مطالعه کرده اند اراضی آنجا فوق العاده مستعد است متخصصین هم که رفته اند در گزارش خودشان این اراضی را اهمیت داده اند و امیدوارم که استفاده بیشتری بشود. راجع به بنده هم در نظر گرفته شده است چون وضعیت آنجا خوب است محصولی که امسال از اینجا بدست میآید هر چه هست دولت نگیرد و نگهدارد برای کشت پائیزه و هر چه هست بدهد برای بذشان و در هر حال آن عده زارعی که الا آن در آنجا هستند هم از حیث زمین و هم از حیث آب و هم از حیث بندر وضعیتشان تأمین است. منتهی در این مورد هم باید در نظر گرفت.

**صفوی** - بنده متشکرم خیلی از آقای وزیر کشاورزی

که توجه فرمودند به کشاورزی آنجا و تمنی میکنم برای کمک بر عیای آنجا بجای دو نفر چند نفر بفرستند و رعایای دیگری هم از حدود قم یزد کاشان یا نقاط دیگر یکدسته رعایائی بفرستند با آنجا که با طرز زراعت فعلی آشنا باشند که با آنها بیاموزند که آنها هم که از دیم کاری در آمده اند استفاده های زیادی از این آب و زمین برای کشور برسانند.

**۳- شور در گزارش کمیسیون بودجه نسبت به پانصد میلیون ریال اعتبار برای خرید خوار بار**

**رئیس** - گزارش کمیسیون بودجه راجع به پانصد میلیون ریال اعتبار وزارت خوار بار مطرح است گزارش کمیسیون خوانده میشود:

خبر از کمیسیون بودجه به مجلس مقدس شورای ملی. لایحه شماره ۱۸۴۰۶ دولت راجع با اجازه استقرض پانصد میلیون ریال از بانک ملی برای خرید مواد ارزاقی از طرف وزارت خوار بار در کمیسیون بودجه مورد شور و مطالعه واقع گردیده بعد از مباحثات مفصل ماده واحده پیشنهادی تصویب و اینک گزارش آن برای تصویب به مجلس شورای ملی تقدیم میشود.

**ماده واحده** - بوزارت دارائی اجازه داده میشود که از این تاریخ تا آخر شهریور ماه ۱۳۲۲ بتدریج و به تناسب احتیاجی که برای خرید مواد ارزاقی از طرف وزارت خوار بار پیدا میشود مبلغ پانصد میلیون ریال از بانک ملی ایران وام گرفته و بمصرف مزبور برساند. مبلغ مورد اعتبار از محل فروش اجناس بتدریج در ظرف یکسال تا آخر شهریور ۱۳۲۳ مسترد خواهد شد.

**رئیس** - آقای طباطبائی

**طباطبائی** - اولاً بنده خواستم با آقای تدین عرض کنم مطالبی که اینجادرش وارد میشویم و بحث میکنیم البته صرفاً از لحاظ ملکیت و از لحاظ مردم و از نظر اوضاع عمومی است و امیدوار هستم ایشان اگر بنشیند جوابی بعراض من بدهند و با یک حلم و متانت بیشتری که در خودشان دارند و فقط در حدود جریان کار و مجلس و لایحه صحبت بفرمایند. دیگر

اینکه گزارش کمیسیون بنظر من هنوز طبع و توزیع نشده است و هنوز من نمیدانم لایحه ای که مطرح است کمیسیون روی آن چه گزارش داده و اینکه در دست من است بعنوان لایحه دولت است و این برخلاف ترتیب است که اکثر در مجلس صحبت میشود و تذکر داده میشود باز هم ما متأسفانه نمیتوانیم در داخله خودمان آنطوری که لازم است منظم باشیم راه اصل مطلب یعنی اعتباری که وزارت خوار بار حالا خواسته است یک ورقه‌ای من در دسترس آقای امیر تیمور دیدم این را از ایشان خواهش کردم که با مانع بدهند بمن و یک مقداری از آن را اگر فرصت شد یا همه ورقه را بد نیست که بخوانم و آقایان توجه کنند. یک دفعه سی میلیون تومان دادند دفعه دیگر ۵۰ میلیون تومان و یک دفعه هم ۲۵ میلیون تومان که مجموعش میشود ۱۰۵ میلیون تومان برای خرید جنس وزارت خوار بار دولت پول دریافت داشته است. این پول بنرخ قانونی مساوی است با یک میلیارد پنجاه میلیون مثقال نقره که مساوی است با یک میلیون و ششصد و چهل هزار و ششصد و بیست و پنج من نقره و معادل است با شانزده هزار و چهار صد و شش خروار و ۲۵ من نقره که بنرخ آزاد اگر از بازار میخریدیم این نقره را از قرار مثقال ۶ ریال میشد ۱۷۵ میلیون مثقال نقره که اگر بحساب من در بیاریم مساوی خواهد بود با ۲۷۳۴۳۷ من و خورده ای نقره و باز معادل خواهد بود با ۲۷۳۴ خروار نقره و ۳۷ من. یک حساب بدی نیست بنظر من و یک قدری بی تفنن نیست این حساب ملاحظه میفرمائید این ارقام اگر اینطور واقعاً باشد چون من خودم که اهل این جور حسابها نیستم و نکشیدم و نمیدانم اینقدر نقره را اگر بگذارند چقدر خواهد بود. ملاحظه بفرمائید که معده این وزارت خوار بار را که چه جوری باین زودی این همه نقره را فرو برده و هضم کرده و تحلیل برده و حالا آمده دنبال باقیش. با این پول نقره یعنی با این یکصد و پنج میلیون تومان یا ۲۱۰ کرور تومان پول از قرار نرخ رسمی خرواری صد تومان که مقرر شده است اینها باید یک میلیون و پنجاه هزار خروار بکنند

خریدای کرده باشند. این جا ندارد و این را واقعاً چونت فرصت نداشتم مطالعه بیشتری بکنم رد میشوم از ش بهر حال من فکر کردم مصرف روزانه تهران چقدر است و چند خروار است؟ و از این مقدار پول اگر گندم خریده شده بود یا اگر نصف آنرا خریده بودند میدیدیم چند ماه و چند هفته و چند روز و چند سال تهران را اداره میکرد و مردم همانطور که دیدید در زمستان به بدبختی و عسرت گرفتار نمیشدند و هر گاه از خرید گندم و فروش نان معتقد شدیم که دولت بنصف ضرر داده است زیرا که دولت جنس را بیک قیمتی میخورد و ارزان تر بر مردم میدهد و تفاوت آنرا ضرر میکنند بنابراین طبیعی است که دولت در هر روز مبلغی ضرر نان را داده و میدهد خیلی خوب نصف ضرر داده است خیال میکنم که نصف متضرر شده است نصف باقیمانده که ۵۲۵۰۰۰۰۰ تومان میشود باید موجود باشد یعنی شما که وزارت خواربار هستید این مبلغ پول را گرفته اید و متأسفانه ما که پول نداشتیم که شما بدهیم و این مبلغ را از بانک ملی ایران قرض کرده اید نصفش را ضرر کرده اید حالا چرا ضرر کرده اید و اگر بیک در لنتی بود عوض اینکه وقت خودش را صرف نگهداری خودش بکند و صرف نگهداری و توجه بحال مردم و مملکت کرده بود و فکر میکرد بیک راه عاقلانه تر و بهتر و صحیح تری پیدا می کرد اینطور خودش و مملکت را متضرر نمی کرد این يك مبحث علیحده است و بنده خودم معتقدم که ممکن بود و میشد يك کاری کرد و يك راهی پیدا کرد که دولت ضرر نکند یا لا اقل اینقدر ضرر نکند و خیال میکنم که نایبستی نصف این مبلغ را دولت ضرر داده باشد و داده است خوب نصف دیگر باقی میماند ۵۲۵۰۰۰۰۰ تومان شما حالا باید حساب این مبلغ را تصفیه کنید یعنی باید بفهمید که این پول کجا است؟ اگر جنس دارید کجا است و پیش کیست؟ مسئولش کیست؟ ضامن این موجودی کیست و کجا است؟ باین حساب اگر ما رسیدیم از این حساب تا همین حد که غمض عین و صر فنظر است شما اگر درست بیرون آیدید آنوقت میشود وارد این مبحث شد که وزارت خواربار از حالا به بعد لازم است یا نه و اگر هم لازم است

با این سازمان و با این تشکیلات باید باشد یا خیر و آنوقت در درجه سوم باید دید باز پنجاه میلیون دیگر را شما لازم دارید که از بانک قرض کنیم یا نه باز بد نیست يك حد اقلی هم در این محاسبه آقای امیر تیمور قائل شده اند و آن اینست که اگر از نصف زیاد تر دولت ضرر کرده باشد و بگوئیم دوخمس باقی مانده که باشد یعنی ۴۲ میلیون تومان پول است که باید موجود باشد الا آن بنده اطلاع ندارم واقعاً اطلاع ندارم صمیمانه عرض میکنم من از این بابت اطلاعی ندارم و نمیخواهم اثباتی کرده باشم ولی میدانم که چه شده است که باثروت عمومی و سرمایه کشور اینطور معامله شده و آیا این را دارید یا خیر در هر حال این موضوع قابل توجه است و باید حساب آن کاملاً معلوم شود و آن کسانی که این پول را مصرف کرده و حیف و میل کرده اند معین شوند با این ترتیب این اعتبار تازه و این پنجاه میلیون دیگر برای کشور چه صورت خواهد داشت؟ واقعاً این مطلب باید روشن بشود بنده دیروز يك تلگرافی داشتم یعنی کپی بود یکی هم باسم بنده بود از اهواز و من فراموش کردم بیاورم و روی میز دفتر روز نامه ام مانده ولی آقایان دارند. آنجا عده ای از آقایان نوشته اند و خواهش کرده اند که این آقای نفیسی را که بنده نمیشناسم ایشان را قرینه الی الله بردارند و بجای دیگر بفرستند و این تلگراف امضای خیلی زیادی هم داشت که بعضی از امضاها را دیدم قابل انکار و تردید نبود که اشخاص محترم و درستی هستند و معروف میباشند که نوشته اند از کرسنگی از فلاکت و از بدبختی نالیده بودند و میگویند اگر اینجا چهار سیر جنس هم داشتیم و وارد شده بود یا از این ور و از آن ور آورده بودیم این آقا بلطایف الحیل آنها را جمع کرد و مردم را برد بسمت بدبختی و کرسنگی و قحطی بنده خوب بنظرم میآید وقتی که آقای سهیلی این دفعه مأمور تشکیل دولت شدند در خارج یا خودم از ایشان شنیدم یا با واسطه خیلی کمی که ایشان معتقد بودند که وزارت خواربار اصلاً لازم نیست حالا که مستشار وزارت دارائی آورده ایم و او یکی

از آن شاهکارهایش اگر موفق بشود تأمین زندگی و تثبیت قیمت ها است طبیعتاً من خیال میکردم که آن موضوع مهمی که باید توجه کند در درجه اول مسئله نان است نان یعنی مادر زندگی و مادر اجتماع اگر شما از عهده نان بر آمدید و توانستید نان برای مردم تهیه کنید همه نرخها خودش طبیعتاً میآید پائین بقعیده بنده يك موادی هست که اگر مردم نتوانستند و نگرقتند و نخريدند خودش میآید طبیعتاً پائین يك وقت یادم هست لایحه اختیارات دکتر میلسپو که مطرح بودن اینجا گفتم راجع با اختیارات دکتر میلسپو که کلمه غیر از مواد خوار بار را برداریم چون ما غیر از خواربار در این مملکت کار لازم تر و امر مهمتری نداریم اول خواربار است و در درجه دوم سایر حوائج زندگی از حیث جوراب و حریر و غیره آقای تدین فقط جوابی که آنروز به بنده دادند این بود که پس وزارت خواربار را چکار کنیم یا وزارت خواربار نباید باشد؟ آنروز هم عرض کردم حالا هم عرض میکنم خوب وزارت خوار بار نباشد کسی نگرانی از این قسمت ندارد آقا! کسی نمیخواهد يك وزارتخانه ای بسازند جور بجور از ادارات مختلف از اعضا ادارات دولتی و وزارتخانه ها جور کنند و يك مقداری هم تله بگذارند و بعنوانین مختلف از اینجا و از آنجا بکشند آن تو با این پول و با این وضع مملکت وزارتخانه درست کنند. شما بروید آقا راپرتهای مستشار مالیات را بخوانید ما تا یکسال پیش که بحث میکردیم میگفتند موقع باریک است بگوئید احتیاط کنید حالا دیگر مطالب فاش شده و روی آب افتاده است آقا پول نیست شما يك بانک را که میدانم سرمایه اش چقدر است آقای مؤید احمدی چقدر است؟

**مؤید احمدی** - سی میلیون تومان سیصد میلیون ریال

**طباطبائی** - سیصد میلیون ریال.

**صفوی** - بانک اعتبار دارد آقا. خیلی اعتبار دارد.

اعتبارات بانک بهم میخورد آقا.

**نراقی** - سرمایه کشور متعلق به بانک است.

**طباطبائی** - اجازه بدهید آقای صفوی این حرفها از

آن حرفهای مرده و بیروح است که اعتبارات را بهم میزنید ما که رودرباسی نداریم این مجلس است من در مجلس باید حرفم را بزنم پس در کجا بگویم این سیاست غلط و پدر سوخته استوار این مملکت را باین روز انداخته است. اینجا مجلس است آقا این جا نگویم کجا بگویم شما يك بانک دارید بنده محاسب نیستم میگویند سی میلیون تومان سرمایه اش هست پس این پولها را از کجا میآورد میدهد؟ اینها مال کیست آقا؟ بانکی که سرمایه اش سی میلیون تومان است چطور صد و پنجاه میلیون تومان قرض داده است حالا هم میخواهد ۵۰ میلیون بشما قرض بدهد باضافه آن استقراضهای دیگری که از بانک شده است و این در را ما باز کردیم و هر وقت دولت در میماند میآید سر این بانک نتیجه چه میشود؟ نتیجه این میشود که يك ورقه اسکناس اعتبارش متأسفانه از يك قوطی کبریت کمتر است این کار را ما داریم میکنیم استقراض از کجا برای چه برای کی؟ شما واقعاً میخواهید نان مردم را تأمین کنید؟ این اداره نان است که شما درست کرده اید؟ چرا در رأس اداره نان شما يك کسی را گذاشته اید؟ (خدای احد و واحد شاهد است من او را نمیشناسم) ولی معروف است باینکه این آدم متهم است به خلاف کاری.

**منشور** - بله محکوم شده است این همان سرهنگ نقدی

است اسمش را عوض کرده است.

**طباطبائی** - این چه جور است این چه اداره نانی

است یعنی چه؟ در راستی اداره نان باید مؤتمن الملك

باشد. اداره نان اداره ای است که مربوط باجان مردم است

و نباید با جان مردم بازی کرد.

**یکی از نمایندگان** - آقای مؤتمن الملك رئیس اداره

نان بشود.

**طباطبائی** - منظورم مثل ایشان است. شما آقا در پشت

تربون میگوئید مأمورین من حق ندارند در انتخابات

مداخله کنند آنوقت وزیر پشت میز نشسته است و

انصلاً مشغول حزب سازی است و جمعیت بازی است و شما

میآید اینجا میگوئید مأمورین ما در انتخابات مداخله نمیکنند.

**وزیر خواربار - کی آقا؟**

**طباطبائی -** شما را عرض نمیکنم کلک شما را عرض میکنم (خنده نمایندگان) من که گفتم آقای مؤمن الملك را بگذارید سر نان یعنی مثل آقای مؤمن الملك البته ایشان مقامشان در نزد جامعه و در نزد همه عالی و ارفع است منظور این است که اشخاص یا کدامن که طرف اعتماد مردم باشند باید آنها را بگذارند در سر کارهای حساس و حسابی و این قبیل اشخاص در کار مردم مداخله نکنند.

عرض کنم الان سر خرمن است و در دوسه جلسه پیش هم عرض کردم گویا آقای تدین تشریف نداشتند حالا تکرار میکنم من یک درشکه یک بدبختی را یک روزی سوار شده بودم یک اسب مردنی داشت که لك و لك این بدبخت و مرا میبرد. من و آن سوچی هم بی جهت تحمیل باین حیوان مظلوم و بی آزار شده بودیم. از او پرسیدم جو را چند میخرد؟ گفت ۲۴۰ تومان بنده اینجا گفتم حالا که جو در سر خرمن ۲۴۰ تومان است بچه دلیل دوماه دیگر ۶۰۰ تومان نخواهد بود و شما چه فکری کردهاید درباره مردم و نان آنها در صورتیکه اوضاع جوی هم بحمدالله واقعاً بقدری مساعد و مناسب بوده است که هیچ سالی از ۱۰ یا ۱۵ سال باینطرف سابقه نداشته است و محصول هم خیلی خوب شده است دیروز هم بنده ندیدم ولی شنیدم که کامیونهای متفقین باین تشریفاتی که رویش تابلو هائی هم نسب شده بود نوشته بودند که غله و نان آوردیم برای ایران خوب این چه عملی است و چه عاملی است که این مردم را باز هم پیگیر سنگی و قحطی تهدید میکند؟ مسئول این اوضاع جز دولت آیا آقایان کس دیگری را سراغ دارند؟ بمن بگوئید تا طرف خطاب من و صحبت من او باشد. اکثر متفقین هستند آقا که شما عوض اینکه صرف وقت بکنید بکارهای دیگر بروید بروسها و انگلیسها صریحاً بگوئید که این مملکت را که نباید از کرسنگی و بدبختی مضمحل

کرد. آنها که می بینیم از يك سمت کامیونها شان میآید و برای ما غله میآورند روسها هم که گفتید ۲۵ هزار تن گندم بما داده اند از این سمت هم که کامیونهای دیروز رسیده خوب شما عوض اینکه وزارت خواربار درست کنید پانصد تا خانم ماشین نویس تویش باشد پانصد نفر مرد را بفرستید بسرحدات که هر کس آذوقه و خواربار بسرحد بیاورد همانجا اعدامش کنید عرض کردم باز هم تکرار میکنم اگر خدای نکرده از طرف متفقین است شما که دولت هستید و مسئول هستید باید بروید و با متفقین حل کنید و اوضاع ایران را بدتر از سال گذشته نکنید بعلاوه بنده شنیدم که مستشار وزارت خواربار هم یعنی در روز نامه ها خواندم اطلاع ندارم او هم استخدامش خاتمه پیدا میکند و راپرتی هم تنظیم و بدولت داده است که دیگر وزارت خوارباری لازم نیست بعقیده بنده هم لازم نیست برای آقای تدین مشاغل عالیتر و بهتر هست و بنده هم قطع دارم که ایشان علاقه و تمیز و پست وزارت خواربار ندارند (منشور - خودشان هم گفتند) و چون خودشان هم البته گفتند و داعیه شانهم همین است پس بنابر این عوض اینکه این ماده را تصویب کنیم همانطور که دولت خودش هم عقیده داشت و نظر داشت که این وزارتخانه را به بنده درش را و منحل کند و يك اداره كامل يك اداره دقیق با دخالت اشخاص معتمد و صحیح العمل با مسئولیت رئیس كل دارائی و وزارت دارائی باید تشکیل شود و مراقب نان و مراقب تأمین آذوقه ملی باشند و حالا اگر آقای تدین الان در مجلس هستند خودشان تعهد میکنند که تا سال آتی این وقت مردم از حیث نان در مضیقه نباشند و نان ایران تأمین است اما نه آنطور تمهدی که من از اولین کابینه آقای سهیلی پرسیدم وزیر مالیه اش بدر بود گفت همه خاطرتان جمع باشد ما خرمن هارا جمع کرده ایم از لحاظ نان آسوده باشید بان نشان که وقتی رفت يك سیر کرد و خاك هم در انبار غله نبود البته آنطوری نه واقعاً شخص ایشان با هر کس در این مملکت حالا اگر آمد اینجا و تعهد کرد که از حیث نان مردم گرفتاری ندارند و نان بعد لازم و بعد

و فور است. و فور یعنی نه اینکه بریزند توی خیابان ها و نه آقا اینطور که جاوی دکا کین خبازی مردم جان بسپارند اگر تأمین میکنند و ضامن هستید ما کت شما را میبوسیم و از آن فرمایشات و تعرضاتی هم که نسبت با آقای دکتر کردند زیاد گله نمیکنم.

**رئیس -** چون قسمتی از فرمایشات آقای طباطبائی مربوط ببانک و وحیثیات بانک بود و چون آقای نراقی نماینده مجلس در بانک میباشند جوابی دارند که میفرمایند.

**نراقی -** با اصل موضوع فرمایشات آقای طباطبائی بنده کار ندارم و آقای وزیر خواربار جواب خواهند داد که این اعتبار لازم است گرفته شود و صرف تأمین کسور امسال بشود یاخیر اما ضمن فرمایشانشان موضوعی راجع ببانک فرمودند که اگر با همان کیفیت در خارج منتشر بشود حیثیت و اعتبار يك مؤسسه بزرگی که همه اشخاص کشور درش شریک هستند متزلزل خواهد شد. فرمودند که بانک فقط سی میلیون تومان سرمایه دارد و ۳۴۰ میلیون تومان از دولت طلبکار است. و الان میخواهیم ۵۰ میلیون تومان دیگر هم ازش قرض کنیم اینها زائد بر اعتبارش است و این برخلاف است اینجا بی مهوری فرمودند و الا بنگاه تجارتي هیچوقت راست سرمایه اش که معامله نمیکنند ممکن است بکناجر هزار تومان سرمایه داشته باشد ولی در نتیجه کار، حسن شهرت، فعالیت، جدیت، جلب اعتماد مردم، انضباط ایجاد سرمایه میکند و ممکن است صد برابر برابر سرمایه که دارد اعتبار پیدا کند و معامله انجام دهد. بانک سی میلیون تومان سرمایه اش بوده است ولی امروز با سرمایه تمام کشور دارد معامله میکند و بعلاوه بانک ملی بانک ناشر اسکناس است و بانک ناشر اسکناس سرمایه اش غیر محدود است یعنی اندوخته کشور در اختیار بانک ملی است بنده خواستم با آقای طباطبائی عرض کنم بانک ناشر اسکناس کاملاً بانک معتبری است و بکسدرم یکشاهی یکدیگر نه تفریط میشود. نه از بین میرود و کاملاً حفظ میشود و اسکناس هم که منتشر میکند کاملاً متکی است به پشتوانه محکم بنده

عرض کنم که از تاریخ ۱۸ آبان که اختیار انتشار اسکناس ببانک داده شده است و بهیئت نظارت واگذار شده تا بحال ۱۵۰ میلیون تومان اسکناس ما منتشر کردیم و این ۱۵۰ میلیون تومان اسکناس در مقابله صدی ۶۰ طلا حاضر و موجود میباشد که ۱۰۱ خروار طلا حاضر و موجود پشتوانه این ۱۵۰ میلیون تومان اسکناس است که ما منتشر کردیم صدی ۴۰ هم ارز است یعنی لیره و دلاری است که تنزلش نسبت طلا تضمین شده است بوسیله دولت انگلیس و امریکا یعنی صد در صد بعنوان پشتوانه موجود است و هر چه اسکناس هم از این بعد منتشر شود بهمین جور تأمین خواهد شد حالا آنروزی که آن لایحه استیجازه انتشار مسكوك طلا در مجلس مطرح شود بنده گزارش جامعی در خصوص اسکناس و پشتوانه اش با ارقام صحیح تهیه کرده ام و با اطلاع آقایان خواهم رساند که آقایان به بینند پول ما از پولهای محکم دنیا است و بالذاته کافی پشتوانه درش موجود است و هر چه اسکناس منتشر میشود قبلاً پشتوانه اش تهیه میشود: اینقدر میخواهیم بگویم بانک ناشر اسکناس که سرمایه های موجود کشور در اختیارش است تنها با چند میلیون تومان سرمایه خودش که دادوستد نمیکنند و با سرمایه کشور دادوستد میکنند و نباید اعتبارش متزلزل شود اما راجع به پنجاه میلیون تومان خواستم با آقای وزیر خواربار تذکری بدهم و آن این است که این مقدار پولی که دولت از بانک خواسته است با قرض بدهد بانک ندارد و اگر بخواهد اسکناس منتشر کند پشتوانه میخواهد و ندارد و بدون پشتوانه هم نمیتواند اسکناس منتشر کند مگر اینکه اسعاری که دولت در بانک دارد و اگذار کند که پشتوانه بشود یا قرض کند تا بتواند بهتان پول قرض دهد و الا بانک سرمایه موجودی ندارد که بتواند بشما پول قرض بدهد.

**وزیر خواربار (آقای تدین) -** بنده خیلی سعی میکنم که مطالب مفصلی که هست حتی الامکان مختصر بعرض مجلس برسانم تا اینکه ضمناً خیلی از حقایق روشن بشود و شایعات و مسوغات هم که بین مردم است حقیقت و عدم حقیقت آن

ظاهر شود قبل از این مکرر عرض کردم و حالاً هم عرض میکنم علت تصدی بنده بوزارت خواربار صرفاً بدی موقع و آن سختی و اوضاع ناگواری بود که در چند ماه قبل در خود طهران همه آقایان مشاهده میکردند گمان میکنم که در این مدت البته فراموش نشده است این قضیه آن سختیها گرفتاریها آن وضع نان که اسمش نان بود و شاید در صد جزء ده جزء آن آرد گندم نبود (صحیح است) بنده صرفاً همانطور که در جلسه اولی که بعنوان وزیر خواربار معرفی شدم در مجلس عرض کردم و الآن هم همان را عرض میکنم صرفاً از نظر تأثیری بود که بنده خودم پیدا کردم از اوضاع و احوال و تصور کردم شاید بتوانم خدمتی بطهران و سایر نقاط ایران بکنم هیچ نظر دیگری نداشتم اصلاً در تشکیل وزارت خواربار و خودم هم عقایدی دارم و حالاً هم بنده علاقه ندارم نه بوزارت خواربار نه بهیچ وزارتی بنده میدانید هیچ حب جاه نداشته و ندارم حالاً شرح میدهم وضعیت وزارت خواربار را قبل از تصدی بنده و بعد از تصدی بنده قبل از اینکه بنده متصدی بشوم وزارت خواربار يك وزارتخانه جدید التاسیس بود که تازه تاسیس شده بود و در اثر بدی اوضاع و احوال و پریشانی حواص مردم از حیث خواربار راجع بآینده دولت وقت صلاح این دید که این وزارتخانه را تشکیل بدهد آن وزارتخانه برای تأمین خواربار مردم اقداماتی کرده است که آن اقدامات را بنده بطور خلاصه بعرض مجلس میرسانم و ضمناً هم معلوم میشود که این پولها چطور شده است اولاً اینجا ذکر کردند که ۳۰ میلیون تومان اول اعتبار داده شده است بوزارت خواربار اینطور نیست ۳۰ میلیون تومان بوزارت دارائی اعتبار داده شده بود قبل از تشکیل وزارت خواربار و حسابش با آنجاست پنجاه میلیون تومان قبل از اینکه بنده متصدی بشوم بوزارت خواربار اعتبار داده شده بود و بعد از تصدی بنده هم ۲۵ میلیون تومان بعد از تصدی بنده خود مجلس رأی دادند و تصویب کرد حالا بنده از نظر خدمت بایستی رسیدگی کنم باوضاع گذشته در صورتیکه بنده مسئول ایام گذشته نیستم ولی چون ایام

۶ ریال و پانزده دینار مقداری که خریداری شده ۲۸۵۱ تن و ۳۸ کیلو قیمتش البته میشود ۱۷۴۵۵۳۰۸ ریال اینها خریدارانی است که بانك ملی کرده است برای وزارت خواربار مطابق صورت ارزن از قرار يك کیلو شنه ریال و ده دینار مقدار خریداری شده ۱۸۶ تن و ۵۷۸ کیلو و قیمتش شده است ۵۷۱۰۵۴ ریال لوبیا خریداری شده است از قرار يك کیلو هفت ریال و ده دینار مقدار ۲۵۲۲ تن و ۲۵۵ کیلو پولش میشود ۱۷۸۵۱۶۲۷ ریال عدس از قرار کیلوئی شش ریال و پانزده دینار مقدار خریداری شده ۲۲۸ تن و ۹۸۴ کیلو قیمت ۱۴۰۵۵۵۱ ریال نخود خریده شده است از قرار يك کیلوشش ریال و هشتاد و پنج دینار مقدار خریداری شده ۱۲۲۸ تن و ۵۶۶ کیلو قیمت مجموع میشود ۱۳۹۲۲۰۸۴ ریال لپه خریداری شده است از قرار هر کیلو پنج ریال و سی دینار مقدار خریداری شده ۶۵ تن و ۱۱۳ کیلو پولش شده است ۳۴۴۸۵۴ ریال ذرت خریداری شده است از قرار پنج ریال و پنجاه دینار مقدار خریداری شده ۱۷۷ تن و ۸۱۷ کیلو قیمت ۹۷۸۹۹۲ ریال خرما خریداری شده است از قرار کیلوئی چهار ریال و چهل و پنج دینار مقدار خریداری شده ۱۲۷۴ تن و ۷۱۷ کیلو قیمت ۷۶۳۹۶۵۵ ریال باقلا خریداری شده است از قرار کیلوئی سه ریال و سی دینار مقدار خریداری شده ۱۷ تن و ۸۷۱ کیلو قیمت ۶۱۶۷۸ ریال ماش خریداری شده از قرار کیلوئی ۷ ریال مقدار خریداری شده ۱۱۷ تن و ۹۹۶ کیلو قیمت ۸۲۷۷۶۰ ریال باقلای باج (منشور - مال رشت است) بنده اسمش را نمیدانم از قرار کیلوئی ۳ ریال و هفتاد و پنج دینار (طباطبائی - اینها را آقا برای کی خریدند) بعد عرض میکنم مقدار خریداری شده ۲۱۹۲۱ کیلو قیمت ۸۲۶۰۱ ریال گندم مقداری که بانك خریده است علاوه بر آن مقداری که وزارت خواربار خریده است از قرار هر کیلوئی ۳ ریال و چهل و پنج دینار مقدار خریداری شده ۳۹۱ تن و ۱۲۸ کیلو که قیمتش ۱۳۵۸۳۷۶ ریال میشود جو از قرار کیلوئی دو ریال و شصت و پنج دینار مقدار خریداری شده ۳۹۶ تن و ۲۳۷ کیلو قیمت

۱۰۴۲۳۹۱ ریال هزینه که برای خرید این ها داده شده است یعنی برلی خرید و جمع آوری مطابق صورتی که از بانك داده شده است ۱۶۶۱۳۲۴ ریال جمع این صورت عبارتست از ۵۹/۶۸۲/۵۶۳ ریال این چیزهایی که دستور داده شده است از طرف وزارت خواربار ببانك که خریداری بشود علاوه بر این برای کمک بکارمندان دولت يك دستور دیگری داده شده است ببانك ملی که مقداری هیزم و ذغال بخرند بیاورند بطهران مقداری که بانك ملی تا کنون خریده است و اطلاع داده است هیزم تقریباً در حدود ۶۰۰۰۰ تن ذغال تقریباً در حدود ۶۰۰۰۰ تن این ها هنوز قیمتش و صورت خرید قطعی و سایر مخارجش از طرف بانك نرسیده است این عملی است که در سابق کرده اند این حبوبات يك قسمتش بطور کلی صرف نان شده است یعنی با گندم و ذرت و سایر مواد مخلوط شده است و بصورت نان در آمده است اینجا لازم است عرض کنم که کمکی که وزارت خواربار کرده است و زیبایی که برده است منحصر بطهران نیست در آن جلسه که اعتبار ۲۵ میلیون تومان اینجا مطرح بود بنده صورت تقریباً ۹۰ محل را از محل های شهرستان های ایران بعرض مجلس رساندم وزارت خواربار نه این است که به تهران تنها نظر میکنند اکثر آقایان مسبق هستند مخصوصاً آقایان نمایندگان ایالات و ولایات که به نود نقطه که یکی از آنها طهران است وزارت خواربار کمک کرده است در تمام این نقاط بآن قیمت که خریده است صرف نظر از مخارج باز نتوانسته است در محل بفروشد و در نقاط خارج حد متوسط يك ثلث هم کمتر از آن قیمتی که خریده است فروخته است (نه بقیمتی که برایش تمام شده است) در طهران ۳۵۰ تومان خریده است بمبلغ ۱۷۰ تومان فروخته است یعنی نصف قیمتی که خریده است خود تهران را در صورتی که بخواهند نانش تأمین بشود روزی بطور اول دو بست و پنجاه تن گندم یا آرد لازم دارد که بنا بر این در سال در حدود نود هزار تن خود مصرف تهران است سایر نقاط هم همینطور کم یا زیاد هر چه توانسته است وزارت خواربار کمک کرده است این

وضع سابق بود بنده اول که آمدم البته دیدم که مقدار زیادی از آن پنجاه میلیون تومان قبلاً مصرف همین چیزها شده است که بعرض مجلس رساندم و لازم بود که مقدار دیگری اعتبار بتصویب مجلس برسد پس در واقع از وقتی که بنده متصدی شده ام با بنکار بیست و پنج میلیون تومان فقط بوزارت خواربار اعتبار داده شده است و قسمت مهمی از این اعتبار قبلاً زمینهاش حاضر شده بود یعنی مدیون بود وزارت خواربار در حال بنده آنچه که شخصاً توانسته ام هیچ کوتاهی نکرده ام و منتهای زحمت را کشیده ام و راحتی را از خودم سلب کرده ام و آن وضعیت ناهنجار و نامطلوب تهران را که آقایان بخاطر دارند اولاً بخواست خداوند و بعد در اثر مساعی صادقانه که بنده کرده ام و سایر مستخدمین و کارمندان کرده اند تمام آن قضایا را رفع کرده ام و وضع نان تهران طوری است که اصلش مورد توجه نیست (صحیح است) برای چه؟ برای اینکه اولاً از حیث جنس مدتی است که بهیچوجه مخلوط ندارد الان گندم خالص است سایر نقاط هم که آقایان میدانند مخصوصاً نمایندگان محترم ایالات و ولایات به محض اینکه توجه داده اند بنده را بسختی آنجا بنده بهر وضعی که بوده از هر محلی که زیادی داشته با آنجا فرستاده ام که در سختی نباشند. اخیراً وضع خرم آباد بسیار بد بود به بنده اطلاع رسید بنده فوراً دستور دادم مقداری گندم و ارزن با آنجا بفرستند که مردم تا اندازه از سختی بیرون بیایند بر وجه همینطور قزوین همینطور خلاصه هشتاد و نه محل دیگر بنا بر این میخواستم عرض کنم که این وضعیت خواربار این مملکت است اگر دولت یا مجلس مقتضی میدانند که این مخارج نشود یعنی این زیان را دولت نبرد آن یک موضوعی است ممکن است به قیمت تمام شده نان بخوراک مردم داده شود و البته آن بنبغ مملکت است یا بضرر مملکت بنده وارد آن قسمت نمیشوم ولی بعد از این قسمت که نان تهران بحمدالله تأمین شد و الآن هم عرض میکنم متجاوز از دوازده هزار تن غله در سیلوی تهران موجود است هر کس تمام از آقایان

خواربار وقت خودش را صرف کرد که جمع آوری کند محصول را برای تأمین خواربار تمام مملکت بنده نمیخواستم حالا صحبت کنم ولی چون اشاره کردند که آیا تأمین خواهد شد یا نه یک مقدارش را عرض میکنم ولی وقتی که تمام شد و مطمئن شدم اینها توی انبارها آمده است آنوقت می آیم با کمال اطمینان صورت و رقم قطعی را بنظر مجلس میرسانم که تمام ملت هم مسبوق بشوند و هیچ نگرانی نباشد برای جمع آوری یک تصویبنامه از هیئت وزیران گذشته که آنرا همه آقایان دیده اند برای جمع آوری محصول دستوری داده شده است ولی در عینحال این فکر برای بنده لازم بوده است که حتی الامکان باید کاری کرد که مردم مخصوصاً زارعین و فلاحین از مزاحمت زیاد مأمورین دولت برکنار باشند برای این منظور اقداماتی شده است اولاً جمع آوری محصول خراسان (از آنجا شروع میکنم) مدتی است خواش کردم از آقای منصور استاندار آنجا که ایشان قبول کنند سرپرستی و نظارت در امر جمع آوری محصول خراسان ایشان طرف اطمینان و اعتماد بنده و همه خراسانیها هستند ایشان هم قبول کردند به مأمورین آنجا دستور دادم که با نظرایشان بادر نظر گرفتن اوضاع و احوال جمع آوری محصول را بکنند بطوری که اولاً خواربار خراسان تأمین شود و بعد هم تهران مطابق معمول سابق از آنجا بهره مند بشود ایشان قبول کردند و خیلی هم متشکرم که اوضاع جمع آوری آنجا با کمال نظم و ترتیب بخوبی پیش میرود برای جمع آوری محصول زابل سیستان و قائنات خواش کردم از آقای علم که ایشان نظارت عالیه اینکار را قبول کنند ایشان هم مجاناً قبول کردند و چندی قبل بمن اطلاع دادند که محصول امسال سیستان بقراری که بتوانیم جمع آوری کنیم و ما را از بار بگیریم در حدود چهار و پنج هزار خروار غله است از اینجا که بگذریم فارس است آقا فارس را بر حسب یک ترتیبی که دادم بدون مزاحمت زیاد با فلاحین و مالکین خود آنها حاضر شدید یک تعهدی بدهند سی و شش هزار تن غله از فارس تعهد گرفته شده است که سی و دو هزار تن آن مربوط

به فارس و چهار هزار دینگرش مربوط است به بوشهر از خودشان چهارده هزار تن تعهد گرفته شده است کرمان ده دوازده هزار تن هم آنجا تعهد گرفته شده است یک مقداری باقی است آذربایجان بطوری که نمایندگان محترم آنجا اطلاع دارند اخیراً توافق کردیم برای اینکه زحمت باهالی آنجا وارد نشود خرج زیادی هم برای اداره ایجاد نشود هشتاد هزار تن تعهد شده است این قدر اقل است که تعهد شده است بدهند و در تحت اختیار دولت بگذارند علاوه بر این میدانند آقایان که سهم زارع بکلی آزاد است و بکلی آزاد است و البته زارعین هم اگر بخواهند مازاد خودشان را بفروشند دولت بقیمت آزاد نه بقیمت مازاد بطور تراضی میخورد قیمت هم ممکن است پائین تر بیاید بنده هم امیدوار هستم پائین تر بیاید این مقداری است که بنده میتوانم تا حالا بعرض مجلس برسانم بقیه نقاط را هم مشغول هستیم حالاً مطلب این است آقا مطابق این پیشنهادی که به مجلس شده است از این هفتاد پنج میلیون تومان تقریباً هفده میلیون تومانش چه کالای موجودی است و چه پولی است که ما طلب داریم و البته آن پول بر میگردد بقیه اش هم مصرف شده بهمین صورتهائی که عرض کردم امروز هم اگر چنانچه ما بخواهیم تأمین بکنیم آتیه خواربار این مملکت را چه بنده باشم چه وزارت خواربار باشد چه نباشد در صورتیکه دولت و مجلس علاقه داشته باشد باینکه باید خواربار آتیه تأمین بشود باید یک پولی را تصویب بکنند این مربوط به بنده نیست این را هم عرض کنم حالاً هم هنوز طوری نشده است هنوز هم سختی نشده است که بنده در موقع سختی این را عرض میکنم هنوز هم محصول در اغلب نقاط از خرمین برداشته شده است هنوز وقت هست این کارهائی است که بنده تا حالا کرده ام با کمال صداقت از نظر خدمت باین مملکت نه از نظر شخص خودم و الا بنده سه خروار چهار خروار برای مصرف خودم لازم دارم پارسان خرمین دو بیست تومان استعمال نمیدانم چقدر ولی آقایان توجه بفرمایند از نظر رسیدگی بحساب هر چه هست بروند رسیدگی بکنند اما آن حسابی که دوست عزیزم فرمودند بخروار

خروار نقره برای مان درست کردند من منتظر بودم ببینم چند خروار هم طلا خواهد شد بنده هم میتوانم يك مثالی عرض کنم و آن این است که این مقدار خوارباری که در سال گذشته صرف غذای ایران شده است و صورتش هم دارم و سابق هم عرض کردم این را هم اگر بخواهند ردیف کنند من از ستاره نپتون و اورانوس هم که دوربین لازم دارد رد خواهد شد چندین مرتبه هم دور دنیا کشیده خواهد شد این معده وزارت خواربار نیست جونم این معده تمام مملکت است الان هیچطور نشده برای بنده هیچ فرقی نمیکنند و بنده این حقایق را با کمال صداقت و وضوح بعرض مجلس رساندم اگر میل دارید که تأمین آتیه بشود پول لازم است و اگر میل ندارید بنده حرفی ندارم و برای رسیدگی بحساب هم حاضرم.

**منشور** - پرسش نان را که آقا فرمودند آن را جواب بدهید.

**وزیر خواربار** - این را بعد رسیدگی میکنم و جواب عرض میکنم.

**مخبر** - همانطور که آقای وزیر خواربار توضیحات مفصلی فرمودند در کمیسیون بودجه هم مباحثات زیاد شد و تصویب کردند که این پنجاه میلیون تومان را بوزارت خواربار بدهند و لایحه آن هم تهیه شد بنده هم که مخبر کمیسیون هستم امضاء کرده ام که اینک تقدیم مجلس شده است و بسته بنظر مجلس است که اگر مجلس شورای ملی تصویب کند وزارت خواربار خواهد گرفت والا هیچ بنده از نظر اینکه مخبر هستم لایحه را امضاء کرده ام ولی از نظر شخصی خودم يك نظری دارم برای اینکه ابهامی پیدا نشود نظر خودم را عرض میکنم. جای تردید نیست از روزی که آقای تدین در وزارت خواربار مشغول خدمت هستند وضع نان نسبت بقبل هم از حیث کمیت هم از حیث کیفیت خیلی خیلی بهتر شده یعنی فراوان شده است و زحمتی که قبل از ایشان برای نان مردم متحمل میشدند و هر روز عده زیادی در کابکین ناوانی باید باشند حالا اینطور نیست که نان گیر

را که شما تا بحال داده اید معادل ۱۶۴۰۶ خروار نقره است و با این پولی که داده شده است اگر از قرار نرخ رسمی گندم که صد تومان مقرر شده است بایستی ۱۰۵۰۰۰۰ خروار گندم خریداری شده باشد اگر آقای تدین میفرمایند خریداری شده بنده تشکر میکنم اگر میگوئید صد تومان حساب میکنیم نشده مخارج هم داشته خرورادی دو یست تومان حساب میکنیم ۵۲۵۰۰۰۰ خروار گندم باید خریداری شده باشد در صورتیکه بنده اطلاع دارم نصف این مقدار هم خریداری نشده است. (انوار - برنج چقدر؟) الا آن میرسم آقای انوار هر قدر دولت میگوید از خرید گندم و فروش نان ضرر کرده است یعنی رعایت طبقات بی بضاعت را کرده (و باید هم حقاً ضرر این کار را بدهد) نصف این مبلغ را کم میکنیم ۵۲'۵۰۰'۰۰۰ تومان ضررشان است و باید ۵۲'۵۰۰'۰۰۰ تومان دیگر پول نقد الا آن در صندوق وزارت خواربار باشد از محل فروش نان موجود باشد و برای بنده خیلی مشکل است قبول کنم که این مبلغ موجود باشد حالا اگر هم بگوئیم سه خس ضرر کرده است باز در حدود چهل و دو میلیون تومان پول باید موجود باشد این حساب را از حیث دیگر کردم زیرا در لایحه ای که دولت راجع باین موضوع تقدیم مجلس کرده است حساب کرده که از هفتاد و پنج میلیون تومان مبلغ پنجاه و هفت میلیون تومان زیان نان داده شده است و این مقدمه را هم کمیسیون بودجه موافقت نکرده است و بنده هم متحیرم که زبان یعنی چه و مخصوصاً روزی که آقای وزیر خواربار تشریف آورده بودند به مجلس و بیست و پنج میلیون تومان اعتبار میخواستند بنده این جا عرض کردم حضورشان که سی میلیون قبلاً گرفته شده است پنجاه میلیون هم يك دفعه این میشود هشتاد میلیون این بچه مصرف رسیده است اگر افراط و تفریط شده شما که دولت هستید وزیر هستید باید معلوم کنید آقای تدین بایک تنی فرمودند من چطور میتوانم به آقایان عرض کنم بنده عرض کنم در پرتو این جدیت البته دزد نکرده پادشاه است بنده عرض میکنم دولت برای روشن شدن این حساب باید دقت

و توجه کند و نکرده است و این ثروت عمومی رفته است پس از چندی حالا میفرمایند سه نفر محاسب رفته بوزارت خواربار رسیدگی میکنند سه نفر محاسب که حساب صد و پنج میلیون تومان سرمایه کشور را که حیف و میل شده است نمیتواند رسیدگی کند بنده عرض کنم همانطور که قضیه هفدهم آذر را هم دولت آمد اینجا گفت رسیدگی میکنم این موضوع هم همانطور است اینهم کشمکش کردن است بنده البته نمیتوانم با ثروت عمومی کشور حقه بازی کنم از نظر اینکه يك نفر از افرادی هستم که این پول را که این مملکت داده و علاقه مندم که باید حسابش روشن بشود شما میفرمائید که هیزم و زغال خرید شده است کی شما گفت بخريد شما برای خوار بار پول گرفته بودید هیزم و زغال را باید بگوئید علاف بخرد شما که برای هیزم و زغال پول نمیگرفته اید آقا هیزم و زغال میخواهید بروید از علاف بخريد. راجع به برنج هم که آقای انوار میفرمودند وضعیت خرید برنج واقعاً تعجب آور است در تمام خطه گیلان شاید در سال بیش از سیصد تن برنج دم سیاه اصلاً نداشته باشد تمام محصول برنج دم سیاه بیش از سیصد تن نمیشود و لسی بعنوان برنج دم سیاه هفتصد هزار تن خریداری شده است، موضوع برنج اینطور است آقا البته بنده عرض نکردم آقای تدین هم نفرمودند چرا این حساب را میکنی و تا کی تکلیفش معلوم نشود نباید گفت، البته نباید گفت، دزد نکرده هم پادشاه است با آن حمایتی که ازش میشود خوب آقا با این ترتیب اینها برای فاطمی تنبان نمیشود و پول مملکت دوباره بدست نمیآید مگر با روشن شدن حساب عرض کردم عمل جنابعالی را هم بنده شخصاً تقدیر میکنم و همانطور که صمیمانه گفتم نان خوب شده است هم کم است و کیفاً و فراوان شده است ولی با پولی که گرفته شده است با سرمایه ای که از کشور مصرف شده است البته تقدیر از جنابعالی بجای خودش و لسی روشن شدن حساب هم بجای خودش و این رفع مسئولیت از شما نمیکند که میفرمائید سه نفر محاسب آمده اند دارند رسیدگی میکنند شما وزیر

را بگوئید اینطوری که شما اظهار میکنید با همه مخبرها فرق دارد .

۴ - موقع ودستور جلسه آتی - ختم جلسه ]

بعضی از نمایندگان - ختم جلسه

رئیس - اجازه می فرمائید جلسه را ختم کنیم  
جلسه آینده روز یکشنبه چهار ساعت پیش از ظهر  
دستور همین لایحه

(مجلس مقارن ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری

مسئول هستید باید حساب روشن بشود این حق برای مردم ایران همیشه باقی است که از وزیر وقت پرسند که حساب چیست

رئیس - شما طرز مخبری تان با همه مخبرها تفاوت دارد مخبر یعنی کسی که قبول کرد مخبری کمیسیون را باید از طرف کمیسیون دفاع کند . ( امیر تیمور - بنده نظر شخصی خودم را عرض میکنم ) اگر جنابعالی خودتان مخالف هستید خوب است مخبری را قبول نکنید و مطالب خودتان